



دورهٔ بین‌العهدین

The Intertestamental Period

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org

May 29, 2008

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته‌ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی. کتاب مقدس.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —



دوره بین‌العهدین

وقتی که خدا آخرین پیام خود را توسط ملاکی نبی فرستاد، نزدیک به چهارصد سال از ارسال پیامش به انسان، باز ایستاد و مکاشفه خدائی دچار سکوتی ژرف شد.

بدون شك، سکوت خدا ابهامات بسیاری در مورد ذات خدا برای تئوریسین‌ها به‌وجود آورد. برخی شاید بر این عقیده باشند که خدا آن‌چنان که در قدیم عمل نمود، می‌بایست به ارسال پیامش ادامه می‌داد. عده‌ای هم شاید بر این گمان باشند که گناه انسان آن‌قدر زیاد شده بود که دیگر شایسته دریافت پیام از جانب خدا نبودند (این مورد هم درست نیست، چونکه هر گناهی و به هر میزان، توهین به خداست). برخی دیگر هم می‌گویند که بی‌ایمانی مردم علت سکوت و عدم تحرک خدا بوده است.

هیچ‌یک از این فرضیه‌ها قابل اطلاق به خدای عالم مطلق و قادر مطلق نمی‌باشند. میثاق محبت خدا برقرار بود و خواهد بود. این سکوت طولانی بخشی از نقشه ازلی خدا بود. او در فرصت‌های فراوانی با انسان‌های بسیاری سخن گفته بود و آنها را تعلیم داده بود، ولی اینک خدا آماده می‌شد تا از بزرگترین و قدرتمندترین کلام به انسان سخن گوید و آن عیسی است. يك سکوت - يك سکوت طولانی و متمایز - تأکیدی بود بر آن مکاشفه تاریخی خدا.

راه‌های خدا قطعاً در ماورای درک انسان است، «زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، هم‌چنان طریق‌های [خدا] از طریق‌های [انسان] و افکار [خدا] از افکار [انسان] بلندتر می‌باشد» (اشعیا ۵۵: ۹). از سوی دیگر معمار این کائنات، کارش بدون نظم نیست، حتی برخوردش با امور فانی نیز منظم است، حتی اگرچه ممکن است گاهی اوقات ما آن نظم را تشخیص ندهیم.

مروری مختصر بر راه‌های خدا مبنی بر هدایت انسان‌ها در ایام تاریخی عهد عتیق بسیار سازنده است. يك نقشه پایدا را می‌توانیم از الهام روح‌القدس از مندرجات کتاب مقدس، مشاهده کنیم. چنان ثبات و پایداری‌ای در گذشته، بر کار خدا در طی آنچه که آن را دوره بین‌العهدین می‌نامیم، سایه افکنده است.

اول اینکه به طور کلی خدا مقرر فرمود که يك شرایط یأس‌آور، قبل از ارائه پیام نهائی‌اش به وجود بیاید. دوم، خدا همیشه خادمان امین خود را به «ایستادن در شکاف»، وساطت بین خود و انسان (حزقیال ۳۰: ۲۲) و عاملیت او برای پیشرفت کار خودش، دعوت نموده بود.

به شرایط وحشتناک جوامع جهانی که پیش از طوفان بزرگ داشتند فکر کنید. خدا حتی از آفرینش انسان اظهار پشیمانی نمود (پیدایش ۶: ۶). در مقابل این پشت صحنه تاریک و اندوه‌بار، کتاب مقدس اعلام می‌دارد: «اما نوح، در نظر خداوند، التفات یافت» (پیدایش ۸: ۶) بدین‌ترتیب ما شرایط نوید کننده‌ای داریم، اما خدا نسبت به ما امین است.

این طرح با دعوت خدا از ابراهیم و گزینش مردم در میان نژاد انسان غرق شده در غرور و بت‌پرستی، تکرار شد. این طرح مجدداً در قالب توشه‌ای که یوسف در ایام قحطی اسرائیل، در مصر تدارک دیده بود، تکرار شد. موسی نیز يك نفر ایماندار بود که در زمان خود آمد تا مردم خدا را از يك شرایط ظاهراً دشوار نجات دهد. این وضعیت در طول کتاب داوران وجود دارد و تا زندگی استرو نحیا ادامه می‌یابد.

در هر يك از این نمونه‌ها، و مشابه آن متوجه می‌شویم که قبل از اینکه خدا وارد عمل شود، تلاش انسان محکوم به فنا بوده است. تاریخ مکتوب دوره بین‌العهدین اشاره‌ای به تجربه‌ای مشابه فوق است. به نظر می‌رسد قبل از اینکه خدا امین‌ترین و کامل‌ترین خادم خود را به صحنه بیاورد، به مردمش اجازه داد تا از پا در بیایند و برای شرایط جدیدی که در پیش دارند، آماده شوند.

دوران سوال برانگیز

اگر کتاب ملاکی نبی در سال ۳۹۷ پیش میلاد تکمیل شده باشد، آنگاه دوره تحت بررسی در این نقطه شروع و ادامه می‌یابد تا اعلام تولد یحیی تعمیددهنده توسط فرشتگان به زکریا (لوتا ۱: ۱۱-۱۷). در این دوره چهارصدساله، نه خبری از انبیاء بوده است و نه الهامی از مکاشفه خدا نوشته شده است.

شش بخش تاریخی در اینجا قابل ملاحظه است: نخست دوره پارسیان که عملاً از سال ۵۳۶ قبل از میلاد به بعد سراسر تاریخ را پوشش داده است و طی سال‌های ۳۹۷ الی ۳۳۶ پیش از میلاد منطبق با دوران بین‌العهدین بوده است؛ دوره یونانیان (۳۳۶-۳۲۳ پیش از میلاد)؛ دوره مصریان (۳۲۳-۱۹۸ پیش از میلاد)؛ دوره آرامیان (۱۹۸ الی ۱۶۵ پیش از میلاد)؛ دوره مکدوننیان (۱۶۵-۶۳ پیش از میلاد) و دوره رومیان (۶۳-۴ پیش از میلاد). این بررسی بر اساس بررسی تاریخی این شش دوره و شرایط تاریخی و پیشرفت دینی در هر دوره، قرار گرفته است.

دوره پارسیان (۳۹۷-۳۳۶ پیش از میلاد)

شرایط تاریخی

همان‌طوری که گفتیم از سال ۵۳۶ قبل از میلاد به بعد پارسیان قدرت غالب خاورمیانه بودند. خدا از پارسیان جهت رهائی بنی‌اسرائیل از اسارت بابل استفاده کرده بود (دانیال ۵: ۳۰ و ۳۱).

دیدگاه پارسیان نسبت به یهودیان باقی مانده در فلسطین محبت‌آمیز بود، این دیدگاه ادامه داشت تا زمانی که قدرت سیاسی کاهن اعظم توسط رقیبان داخلی تضعیف و اورشلیم مورد حمله پادشاه پارس قرار گرفته و بخشی از آن ویران شد. در بقیه این دوره تاریخی خطری از جانب پارسیان متوجه یهودیان نشد.

پیشرفت‌های دینی

خدا از واقعه اسارت بابل برای تطهیر قوم خود از بت‌پرستی استفاده نمود. آنها با حرمتی تازه نسبت به کلام خدا و به‌خصوص شریعت موسی و همچنین درک درستی از مفهوم الهیاتی یکتاپرستی، به اورشلیم بازگشتند، این دو ویژگی در طول دوره بین‌العدین نیز ادامه داشت.

ساختن کنیسه به عنوان یک مکان عمومی جهت عبادت را می‌توان موقوف به قبل از این دانست. کاتبان به‌خاطر تفسیر کلام در کنیسه افراد کاملاً شاخصی بودند. وقتی که عیسی متولد شد، ساختمان کنیسه کاملاً پیشرفت کرده و در میان جوامع یهودی جهان گسترده شده بود.

پیشرفت دیگری که موجب گسترش انجیل در دوران عهد جدید گردید، ریشه در پایان حاکمیت پارسیان داشت. معبدی در سامرا ساخته شد و نوعی عبادت مرسوم گردید که در رقابت با عبادت یهودی بود. این واقعه موجب جدائی نهائی اجتماعی و مذهبی یهود و سامره گردید.

دوره یونانیان (۳۳۶-۳۲۳ قبل از میلاد)

شرایط تاریخی

اسکندر کبیر، بزرگترین فاتح آن زمان، شخصیت کانونی این دوران کوتاه مدت بود. او ایران، بابل، فلسطین، سوریه و هند غربی را فتح نمود هرچند که او در سن سی و سه سالگی فوت کرد و فقط در حدود سیزده سال بر یونان پادشاهی نمود، ولی نفوذ او سال‌ها بعد از او به جا ماند.

پیشرفت دینی

آرزوی اسکندر این بود یک امپراتوری جهانی با یک زبان، یک فرهنگ و یک تمدن پایه‌گذاری بنماید. بدین ترتیب جهان تحت نفوذ اسکندر شروع به آموزش زبان یونانی نمود. این مرحله را یونانی‌گرایی نامیده‌اند، که شامل گسترش فرهنگ و مذهب یونانی در تمامی قسمت‌های جهان گردید. یونانی‌گرایی به قدری مرسوم گردید که حتی اثرات آن در عهد جدید توسط رومیان رسوخ نمود. کشاکشی که میان یهودیان بر اثر تأثیرات یونانی‌گرایی بر فرهنگشان و مذهبشان صورت گرفت، طولانی و سخت بود.

هرچند که زبان یونانی در سال ۲۷۰ پیش از میلاد کاملاً جهان‌گیر شده بود و عتیق به زبان یونانی (Septuagint) ترجمه شده بود، اما یهودیان با سماجت تمام در مقابل چند گانه پرستی کافران مقاومت می‌کردند.

دوره مصریان (۳۲۳-۱۹۸ قبل از میلاد)

شرایط تاریخی

با مرگ اسکندر، امپراتوری یونان به چهار بخش مجزا تحت نفوذ فرماندهان مختلف، تقسیم شد: پتولومی، لیسماکوس، کاساندر و سلنوس. این همان «چهار امپراتوری است» که در قالب «شاخ بزرگ» در کتاب دانیال آمده است (دانیال ۸: ۲۱ و ۲۲).

پتولومی سوتر (Ptolemy Soter)، آغازگر سلسله سلطنتی پتولومی ابتدا بر مصر و سپس بر اسرائیل سلطنت نمود. رفتار او نخست با یهودیان خصمانه بود، ولی در پایان پادشاهی پتولومی و در دوران سلطنت پتولومی فیلادلفیا، جانشین او، رفتار با یهودیان مسالمت‌آمیز شد. در همین دوران بود که ترجمه یونانی عهد عتیق مجاز اعلام گردید.

پیشرفت یهودیان تا حدود پایان سلسله پتولومی و زمانی که کشمکش بین مصر و سوریه بالا گرفت، ادامه داشت و دوباره اسرائیل در بین این دو امپراتوری گرفتار شد. وقتی که سوریه در نبرد پانیون در ۱۹۸ پیش از میلاد، مصر را شکست داد، یهودیه ضمیمه سوریه شد.

پیشرفت دینی

مسالمت و مدارا توسط پتولومی ادامه یافت و بدان وسیله یهودی‌گرایان و یونانی‌گرایان در صلح و صفا با هم کنار آمدند، و این خطر بزرگی برای ایمان یهودی بود. و بدین‌ترتیب يك تصفیه تدریجی از نفوذ فرهنگ یونانی آغاز گردید.

تأکید یونانی‌گرائی بر زیبایی، فرم و حرکت، یهودیان را واداشت که نسبت به مراسم دینی یهودی که از دیدگاه زیباشناسی جذاب نبود، غفلت کنند. بدین‌ترتیب و تحت نفوذ این ایده، عبادت بیشتر جنبه ظاهری به خود گرفت تا جنبه درونی.

دو گروه مذهبی در آن زمان ظاهر شدند: حزب یونانی‌گرای مورد نظر سوریه و گروه واقع‌بین یهودی در غالب «حسیدیم» یا «پارسایان» (فریسیان پیشین). کشمکش برای کسب قدرت بین این دو گروه منتهی به يك قطب یهودی همراه با سیاست، فرهنگ مذهب خود گردید. و همین کشمکش بود که موجب حمله آنتونیو اپی‌فانوس (Antiochus Epiphanes) در سال ۱۶۸ قبل از میلاد گردید.

دوره آرامی‌ها (۱۹۸-۱۶۵ قبل از میلاد)

شرایط تاریخی

یهودیان تحت حکومت آنتونیوی کبیر و سلوسوس فیلوپاتر جانشین او به هیچ‌وجه اجازه نقش اجتماعی خود را تحت رهبری کاهن اعظم نداشتند. این وضع ادامه داشت تا اینکه حکومت طرفدار یونانیان تصمیم

گرفت یهودیان را در اجرای مراسم خود آزاد بگذارند. جیسون جانشین اونیاس سوم کاهن اعظم موردنظر یهودیان ارتدکسی گردید و این منصب را از طریق دادن رشوه به جانشین، یعنی سلوسوس به دست آورد. این کار موجب يك کشمکش سياسي گردید که در نهایت موجب خشم شدید آنتونیو نسبت به اورشلیم گردید.

او در سال ۱۶۸ پیش از میلاد تصمیم به نابودی تمام شاخصه‌های دیانت یهودی گرفت. او قربانی کردن را ممنوع کرد، ختنه کردن را غیرقانونی اعلام نمود و نگهداری سبت و روزهای عید را منسوخ اعلام نمود. یهودیان مجبور به خوردن گوشت خوک و قربانی نمودن برای بت‌ها شدند. آخرین و بزرگترین توهین به مقدسات توسط او، هتک حرمت قدس‌الاقدس با ساختن يك مذبح و گذراندن قربانی برای زئوس بود. بسیاری از یهودیان در اثر جفاهای متعاقب مردند.

یادآوری طریق‌های خدا و اراده او برای انسان در اینجا ضروری به نظر می‌رسد. خدا شرایط نومید کننده را می‌آفریند و یا اجازه می‌دهد، آنگاه خادم خاص و امین خود را فرامی‌خواند. به هر حال انسان غالباً تلاش می‌کند تا خود را خلاص کند و همین به نظر می‌رسد که در اوج موفقیت اوضاعش بدتر از پیش است. این حالت در مورد زندگی مردم خدا، یهودیان، مصداق پیدا نمود. خدا صرفاً داشت صحنه را برای آمدن نجات دهنده راستین، آماده می‌کرد.

پیشرفت دینی

آنچنانکه در وضعیت تاریخی این دوره اشاره شد، دیانت یهود در اثر نفوذ یونانی‌گرایی، دچار تفرقه گشت. بنیاد گروه ارتدکسی یهودی، آنچه را که ممکن است، بیشتر عمل گرایان یهودی بنامیم، توسط کاتبان که بعداً فریسیان نامیده شدند، نهاده شد که کم و بیش هم سوي منصب کهنانت اعظمی بود. این گروه به منزله زیر بنای فکری بودند که گروه دوم که صدوقیان نامیده می‌شدند از آن تغذیه می‌کردند.

دوره مکادونیان (۱۶۵-۶۳ پیش از میلاد)

شرایط تاریخی

يك کاهن قدیمی به نام ماتاتیاس از گروه هاسمون با پنج پسر خود در روستائی به نام مودین در شمال غربی اورشلیم، زندگی می‌کرد. وقتی که حاکم آرامی تلاش نمود تا قربانی برای بت‌ها را در مودین رواج دهند، ماتاتیاس طغیان نمود و يك یهودی مرتد را که قربانی گذرانیده بود، کشت. سپس پسر حاکم سوری را نیز کشته و با خانواده‌اش به کوهستان گریخت. هزاران نفر یهودی مؤمن به او پیوستند و از آن به بعد تاریخ شاهد تظاهراتی بسیار گسترده برای احیاء حفظ حرمت خدا بود.

بعد از مرگ ماتاتیاس، سه نفر از پسران او کار او را دنبال نمودند و شورش را ادامه دادند: یهودا ملقب به مکابئوس (۱۶۶-۱۶۰ پیش از میلاد)، جاناتان (۱۶۰-۱۴۲ پیش از میلاد) و سیمون (۱۴۳-۱۳۴)

پیش از میلاد). شورشیان سرانجام موفق به باز پس گرفتن اورشلیم در بیست و پنجم دسامبر سال ۱۶۵ پیش از میلاد گردیدند، معبد را پاک ساخته و عبادت در معبد را دوباره به جریان انداختند. این جنبش امروز هم به عنوان عید هانوکا (تخصیص) حفظ شده است.

جنگ در خارج از محدوده یهودیه ادامه داشت و تلاش‌های متعدد آرامی‌های برای شکست مکابیان بی‌نتیجه ماند و سرانجام، یهودیان به رهبری سیمون استقلال خود را به دست آوردند (۱۴۲ پیش از میلاد). یهودیان تقریباً هفتاد سال در لوای حکومت سلسله پادشاهی هاسمونیان زندگی کردند. شاخص‌ترین این رهبران عبارت بودند از جان هیرکانوس (۱۳۴-۱۰۴ پیش از میلاد) و الکساندر جانوس (۱۰۲-۷۶ پیش از میلاد).

پیشرفت‌های دینی

مهم‌ترین پیشرفت دینی این دوره در نتیجه اختلاف عقیده شدید در رابطه با پدر شاهی و کهنانت اعظمی یهودیان، به وجود آمد. صدها سال بود که منصب کهنانت اعظمی در یک مفهوم سیاسی مبهم تحلیل رفته بود. توجه مردم متمرکز به کهنانت هارونی نبود، بلکه مردم گرایش به حزب‌های سیاسی پیدا کرده بودند. یهودیان ارتدوکس با بیزاری از این وضعیت در مقابل آن مقاومت می‌کردند. وقتی که جان هیرکانوس حاکم و کاهن اعظم اسرائیل شد، ماوراء اردن، و ادومیه را فتح کرده و معبد سامریان را ویران ساخت. قدرت و محبوبیت او، او را بر آن داشت که خود را پادشاه بخواند. اقدام او مورد انتقاد یهودیان ارتدوکس که در آن زمان فریسیان نامیده می‌شدند، قرار گرفت. این یهودیان هیچ‌کس را به عنوان پادشاه نمی‌شناختند مگر اینکه از دودمان داود باشد و هاسمونیان هم از دودمان داود نبودند.

کسانی که با فریسیان مخالفت و هاسمونیان را تأیید نمودند، صدوقیان نامیده می‌شدند. این عنوان برای اولین بار در طول حکومت جان هیرکانوس که خود نیز صدوقی بود، ظاهر گردیده است.

دوره رومیان (۶۳-۴ پیش از میلاد)

شرایط تاریخی

دوره استقلال یهودیان در سال ۶۳ قبل از میلاد وقتی که پومپی سوریه را تسخیر و وارد اسرائیل شد، به پایان رسید. اریستولوس دوم ادعای پادشاهی بر اسرائیل را نمود و پومپی را به اورشلیم راه نداد، در نتیجه رهبر رومی عصبانی و متوسل به زور شده و شهر را تسخیر کرد. تلاش اسرائیل جهت خلاصی از ظلم و بیداد به بهای گرانی تمام شده بود، ولی اینک چنین به نظر می‌رسید که تمام امیدهایشان به باد رفته بود.

ژولیوس سزار در سال ۴۷ قبل از میلاد، آنتیپاتر را به نظارت یهود گماشت و سرانجام هرود پسر آنتیپاتر در حدود سال ۴۰ پیش از میلاد پادشاه یهودیه گردید.

هر چند که هرود کبیر، آنچنانکه نامیده می‌شد، طرح بنای تازه معبد در اورشلیم را ریخت و اجرا کرد، ولی يك يوناني‌گرای دواشته بود و از خاندان هاسمونیان نفرت داشت. او تمام اعقاب هاسمونیان و حتی همسرش ماریان نوه جان هیراکانوس و متعاقب آن دو پسر خود آرستیولوس و اسکندر را که از ماریان داشت، به قتل رسانید. این همان شخصي است که در هنگام تولد مسیح در بیت‌لحم تاجگذاری نمود. چه شرایط تاریک و یاس‌آوری بود برای مردم خدا!

پیشرفت‌های دینی

منشاء پیدایش فریسیان و صدوقیان را بررسی کردیم. قبل از پرداختن به این سه گروه مهم، لازم است توجه بیشتری به این دو گروه اصلی داشته باشیم.

۱. فریسیان در دوران حکومت جان هاریکانوس، «فریسی» نامیده شدند که معنی‌اش می‌شود «جدائی‌طلب». آنها به شدت متکی به کاتبان و وفادار به شریعت و آئین یهوه بودند. تأکید آنها بر تابعیت مطلق کاتبان منتهی به پیوستگی شدید آنها به «شریعت شفاهی» یا «میشنا» که خواهان اجرای شریعت مکتوب در هر روزه از زندگی بود، گردید.

در طول دوره مأموریت زمینی مسیح، «شریعت شفاهی» آنچنان درگیر افراطگری شد که ارتباط خود را با نیت اولیه کتاب مقدس تقریباً از دست داد. نیت اولیه کتاب مقدس که همانا سلامت فکری و اتکال به کلام خدا بود، اینک در قالب رسوم‌گرایی و قانون‌پرستی که منکر روح کلام بود، رو به زوال می‌رفت.

۲. صدوقیان نام خود را از کلمه Zadokites و یا شاید از کلمه عبری Tsaddik (صداقت)، گرفته بودند. در حالی که فریسیان شدیداً وابسته به کاتبان بودند، صدوقیان وابسته به کهنات اعظمی بودند. به نظر می‌رسد که کاهنان گرایش بیشتری به جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و زمینی منصب خود، نشان می‌دادند.

این الگوی فکری مورد استقبال بسیاری از رهبران یهودی جامعه‌گرا، واقع شد. صدوقیان که از نظر جمعیت کمتر از فریسیان بودند عمدتاً متعلق به خاندان‌های ثروتمند کهنات بودند که طبقه آریستوکرات جامعه یهود را تشکیل می‌دادند. آنها معتقد بودند که شریعت خدا و سیاست قوم کاملاً از هم جدا می‌باشند. به کلامی دیگر آنها ارتباطی بین نیاز به پاک شدن و سرنوشت قوم خود نمی‌دیدند. مذهبون، مذهبی بودند و سیاسیون سیاسی، بنابراین صدوقیان نسبت به فریسیان بسیار شکاک بودند و معتقد بودند که فریسیان کهنه اندیش و متعصب می‌باشند.

۳. فرقه هیرودیان نیز در دوره حاکمیت روم سربرافراشتند (متی ۲۲:۱۶). هرودیان يك حزب سياسي بودند که هدف اصلي آنها توسعه سلطه حکومت هرود بود. شاید انگیزه آنها ترس از حکومت روم و نابودي احتمالي بود که مي توانست نتیجه اعمال عصیان گرانه بخشی از يهوديان باشد. آنها شدیداً متمایل به يوناني‌گرائي و مخالف با فریسيان و تأکید دائمي آنها بر جدائي بود.

۴. غیوران (یا «کنعانیان» برآمده از کلمه آرامي Zealous در ترجمه NKJV عهد جدید)، هم يك حزب سياسي ولي در تضاد مستقیم با هرودیان بودند. آنها با حاکمان رومي سازش نمودند و مانند فریسيان عقیده به تابعیت حکومت تا آمدن مسیح اسرائیل و شکست رُم، نداشتند. به عقیده آنها خدا تنها به کمک کسانی مي شتافت که خود را کمک کنند و معتقد بودند که يهوديان بايد براي به دست آوردن استقلال خود، آماده جنگ شوند.

غیوران يك نوع روح میهن پرستي آتشین را به تعصب فریسي گونه براي شریعت افزودند. تعلیمات این گروه حاكي از تأسیس يك ارتش انساني رهائي بخش بود، تا توکل به دخالت خدا براي رهائي.

۵. ازنس ها (Essenes) نیز محصولي از حکومت روم بودند. در عهد جدید نامي از آنها برده نشده است ولي بعد از کشف طومار دریاي مرده توجه زيادي را به خود جلب نمودند.

این گروه نیز افرايدي مذهبي بودند، نه سياسي، آنها نوعي به اصطلاح روحاني بودند که معتقد به خروج از جامعه متداول انساني و زندگي رهباني و نوع صوفي گرانه يهوديت بودند.

Essenes ها با علاقه‌اي که به روح شریعت و اختصاص یافتن به خدا داشتند، هرگونه حس خدمات بشارتي را در اسرائیل از دست داده بودند. آنها خود را از مزایاي دنيا محروم و مشکلات زندگي را ندیده مي گرفتند.

نتیجه‌گیری

صحنه، آماده شد، کوشش‌هاي بیهوده انسان به جهت تغییر جذر و مد قدرت‌هاي سياسي و باورهاي ديني، به جائي نرسید. اسرائیل درگیر نوعي اسارت روحاني قرار داشت که بسي بدتر از اسارت سياسي بود. ظهور گروه‌هاي مختلف و جنبش‌هاي گوناگون که در فوق به آنها اشاره شد نشانه‌اي بود از تلاش صادقانه براي يك راهحل نهائي براي مشکلاتشان. به هر حال چنین به نظر مي رسد که تلاش‌هاي آنها منجر به شکست شد. صحنه تاريخ، تاريك بود. شرايط واقعاً نومید کننده بود.

در این میان بود که خدا سکوت چهارصدساله را با اعلام آمدن مسیح، خادم امین خداوند شکست و دوره بين العهدين به پایان رسید.